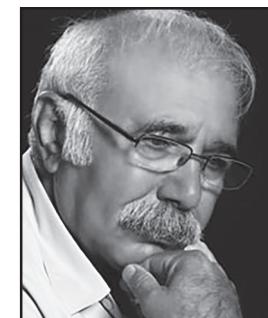




که فاضل نظری

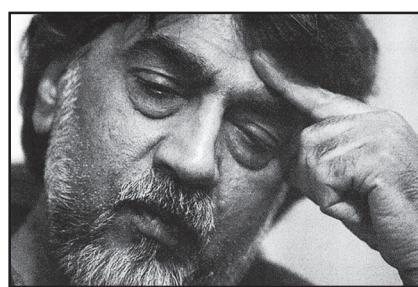
شهرگ های زمین از داغ باران پر شده است  
آسمان! کاسه‌ی صیر درختان پر شده است  
زندگی چون ساعت شماطه داره کهنه‌ای  
از توقف ها و رفتن های یکسان پر شده است  
چای می‌نوشم که با غفلت فراموشت کنم  
چای می‌نوشم ولی از اشک، فنجان پر شده است  
بس که گل هایم به گور دسته جمعی رفته اند  
دیگر از گل های بپر خاک گلدان پر شده است  
دوک نخ رسی بیاور یوسف مصری ببر  
شهر از بازار یوسف های ارزان پر شده است  
شهر گفتم؟ شهر! اری شهر! شهر  
از خیابان! از خیابان! از خیابان پر شده است

**ماه من**

\* محمد علی بهمنی  
از خانه بیرون می‌زنم اما کجا امشب  
شاید تو می‌خواهی مرا در گوچه‌ها امشب  
می‌جویم اما نیستی در هیچ‌جا امشب  
می‌دانم اری نیستی اما نمی‌دانم  
بیهوده می‌گردم بدبالت، چرا امشب؟  
هر شب تو را بی جستجو می‌یافتم اما  
نگذاشت بی خوابی بدست آزم تو را امشب  
ای کاش می‌دیدم به چشم‌ام خطا امشب  
حتی ز برگی هم نمی‌آید صدا امشب  
 بشکن قرق را ماه من بیرون بیا امشب  
شاید که بخشیدند دنیا را به ما امشب  
باید چه رنجی برده باشم، بی تو تا امشب  
آخر چگونه سرگرم بی ماجرا امشب

**دستور زبان عشق**

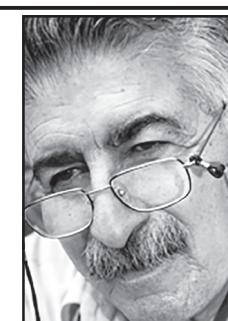
قیصر احین پور



دست عشق از دامن دل دور باد!  
می‌توان آیا به دل دستور دارد؟  
می‌توان آیا به دریا حکم کرد  
که دلت را یادی از ساحل مبارد؟  
  
موج را آیا توان فرمود: ایست!  
بادر افرمود: باید ایستاد؟

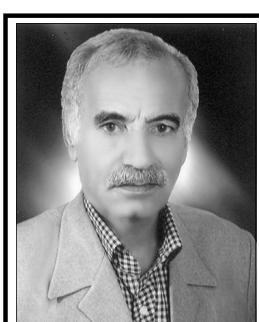
آنکه دستور زبان عشق را  
بی‌گزاره در نهاد مانهاد  
  
خوب می‌دانست تیغ تیز را  
در کف مستی نمی‌باشد داد

✓ کبری موسوی قهقرخی  
جوخه‌ی اعدام با قلاب ماهی گیرها...?  
نمطمئنا نیست فرقی بین این تصویرها  
کیمیاگران نمی‌دانند بی چشمان تو  
هیچ تاثیری ندارد بر دلم اکسیرها  
سعی چینی بند زن ها هم ندارد حاصلی  
بیشتر کرده ترک های مرآ، تعمیرها  
سر و در سوز زمستان دیدنی تر می‌شود  
می‌خورد در هم گره، گاه این چنین تقدیرها  
بیش از این رنج مده، محکم ترین دیوارها  
گاه می‌ریزند با کوچک ترین تغییرها



## \* منوچهر آتش

شبی به خلوت پر ماهتاب من بگذر  
ز گوچه‌های گل افسان خواب من بگذر  
بپوش پیرهن سایه مرا بر تن  
برو به چشم من از آفتاب من بگذر  
  
چو شینمی تو به گلبرگ بسترم بنشینی  
ز باغ های تر عطر ناب من بگذر  
  
چو موج سد بلند شکیب من بشکن  
سفینه وار، ز موج شتاب من بگذر  
  
شبی دراز تر م از شبان تیره قطب  
درون وحشت من، ماهتاب من بگذر.

**منتظر داستان و اشعار شما هستیم**

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه  
یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید. ضمناً روزنامه در  
ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی  
برگشت داده نمی‌شود.

tolou2@yahoo.com

کارشناس سرویس ادبی - هنری: محمدعلی اصلاح‌بزبور

